

## پاسخ به روزنامه‌های کیهان و جمهوری اسلامی

خواننده عزیز

بی‌شک شما نیز چون ما از آغاز پیروزی انقلاب تا کنون شاهد حملات هماهنگی علیه نهضت آزادی ایران و اعضای آن بوده‌اید. این حملات نه تنها از سوی مطبوعات و رادیوهای شرقی و غربی و وابستگان شناخته شده داخلی! آنها که در مجموع خط توده - نفتی را تشکیل می‌دهند به طور مستمر ادامه داشته است - که البته قابل توجیه است - بلکه برخی دوستان مخلص ولی نادان انقلاب نیز تحت تأثیر همان القائات و در همان جهت برخلاف اخلاق و معیارهای اسلامی با مطرح ساختن مطالب دور از واقع و تهمت و افترا علیه نهضت آزادی ایران در مطبوعات و سایر مجامع و رسانه‌های عمومی به دشمنان انقلاب کمک کرده‌اند. در شرایط کنونی انقلاب برای ما پاسخ گویی به دشمنان انقلاب اسلامی به علت نداشتن روزنامه و امکانات لازم ممکن نیست در حالی که دشمنان انقلاب اسلامی روزنامه، نشریه و امکانات فراوان در اختیار دارند و به توطئه علیه جمهوری اسلامی مشغولند. اما از روزنامه‌های رسمی جمهوری اسلامی انتظار می‌رود بر اساس اخلاق و معیارهای اسلامی و در اجرای قانون مطبوعات جوابیه‌های ما را که بنا به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر تهیه شده است درج کنند.

نهضت آزادی ایران در هفته‌های اخیر، سه پاسخ به مقاله‌های:

روزنامه کیهان مورخ ۱۷ دی ماه ۱۳۶۰ تحت عنوان «شناخت گروه‌های سیاسی»،

روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۹ دی ماه ۱۳۶۰ تحت عنوان «مقدمات آشنایی با قرآن»،

روزنامه اطلاعات مورخ ۱۷ دی ماه ۱۳۶۰ تحت عنوان «مکتوب هفته» که حاوی مطالب دور از واقع،

تهمت و افترا نسبت به نهضت بوده ارسال داشته است که متأسفانه با وجود پیگیری‌های متعدد به جز جوابیه مربوط به روزنامه کیهان هنوز اقدام به چاپ آنها نشده است. با وجودی که در این موارد اقدامات قانونی به عمل آمده و امیدوار است که مراجع قانونی رسیدگی و اقدام لازم را معمول نمایند لازم دانستیم، بنا به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، افکار عمومی را در حدود امکانات بسیار محدود خود روشن کنیم.

با توجه به مراتب بالا متن جوابیه‌های توضیحی نهضت آزادی ایران به روزنامه‌های فوق‌الذکر برای اطلاع عموم تکثیر می‌شود. به امید آنکه مسئولان روزنامه‌های وابسته به مقامات دادگاه‌های جمهوری اسلامی که دم از سال قانون می‌زنند، مصالح جمهوری اسلامی را فدای نظرات شخصی ننموده و نسبت به اجرای مفاد قانون مطبوعات گردن نهند و از عذاب الهی که خداوند ما را مخاطب قرار داده «لم تقولون ما لا تفعلون کبر مقتاً عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون»<sup>۱</sup> بپرهیزند. والسلام.

روابط عمومی نهضت آزادی ایران

\* پاسخ به اطلاعات پیرامون «مکتوب هفته» در جزوه جداگانه تکثیر و توزیع شده است.

۱. (سوره صف، آیه ۳): چرا چیزی به زبان می‌گویید که در مقام عمل خلاف آن می‌کنید، از این عمل که سخنی بگویید و خلاف آن کنید که بسیار سخت خدا را به خشم و غضب می‌آورد.

جناب حجت الاسلام آقای سید محمد خاتمی

سرپرست محترم مؤسسه کیهان

اخیراً سلسله مقالاتی تحت عنوان «شناخت گروه‌های سیاسی» در کیهان به چاپ می‌رسد که روند سیاسی احزاب و گروه‌ها را مورد بحث قرار می‌دهد. در قسمت‌های چهارم و پنجم این سلسله مقالات (مورخ ۸ و ۹ دی ماه ۱۳۶۰) از نویسنده‌ای به نام «ابویاسر» در شرح جریان‌های سیاسی پس از کودتای ۲۸ مرداد اشاره به مسائلی دارد که قابل توجه است.

ضمن تشکر از نویسنده به خاطر ذکر بعضی از مطالب حقی که آورده است، به نظر می‌رسد به علت عدم توجه کافی به جریان‌های سیاسی - تاریخی و یا به علت عدم دسترسی به اسناد و منابع متنوعی که از این دوره از تاریخ باقی مانده است موفق نگردیده به ذکر کامل و حقیقی همه قضایا بپردازد. نویسنده ضمن شرح بسیار مختصر حوادث سیاسی سال‌های ۳۲ تا ۴۰ و چگونگی تشکیل نهضت آزادی ایران، نقاط ضعفی را به نهضت آزادی نسبت داده است که به هیچوجه صحت ندارد.

۱- به عنوان یکی از عمده‌ترین اشکال‌ها، در قسمت چهارم سلسله مقالات فوق‌الذکر مسأله «علم‌زدگی و ضد فلسفه بودن» را به نهضت منتسب می‌نماید. سپس برای تأیید برداشت خود، جمله‌ای از بیانیه مورخ ۵۸/۳/۲۷ نهضت آزادی را نقل می‌کند.

اولاً - برای شناخت تفکر یک سازمان اسلامی تنها از یک بعد از یک بیانیه آن نقل قول آوردن منصفانه نبوده و هرگز نمی‌تواند راهگشای نیل به سوی حقیقت باشد. نهضت آزادی ایران و همچنین بنیانگذاران و فعالین آن صدها مقاله و کتاب و نشریه و مطلب از خود به جای گذاشته‌اند. برخلاف این استنتاج نادرست مطالعه کتب و آثار مؤسسين و بنیانگذاران نهضت نظیر مرحوم طالقانی، مرحوم شریعتی و مهندس بازرگان هرگز چنین ادعایی را به اثبات نمی‌رساند.

معلم شهید، دکتر شریعتی خود از معدود کسانی بود که مسأله «سیانتیسم» یا علم‌زدگی را به عنوان یک مشکل بزرگ اجتماعی مطرح ساخت. در اولین اسناد نهضت آزادی ایران به صراحت قید شده است که ما اول مسلمانیم و بعد فعالیت سیاسی را بر مبنای اعتقادات اسلامی دنبال می‌کنیم. در هیچیک از نوشتجات نهضت در مقابل وحی هرگز به علم تکیه نشده است.

به نظر نهضت آزادی ایران، قبول اصالت وحی به منزله نفی ارزش دستاوردهای علمی نمی‌باشد و قبول ارزش دستاوردهای علمی به منزله نفی اصالت وحی نیست و «علم‌زدگی» محسوب نمی‌شود، علم‌زدگی بدان معناست که تنها آن حقایقی از جهان پذیرفتنی است که علم بر آن گواهی بدهد و لاغیر! اگر نویسنده محترم مقاله کتاب «مسئله وحی» آقای مهندس بازرگان (چاپ ۱۳۴۱) را خوانده بودند یقیناً اظهار نظر خلاف حقیقت و خلاف انصاف را در حق ایشان نمی‌نمودند.

واضح است که نه «مهندس» و نه سایر مؤسسين و فعالین نهضت آزادی چنین اصالتی را به علم در برابر وحی نداده و نمی‌دهند. آقای «ابویاسر» خود بهتر از هر کس به این مسئله واقف است. مبدا خدای

ناکرده اختلاف نظر در مثنی سیاسی باعث تجاوز از حدود خدا و تقوی شده باشد.

ثانیاً - نویسنده اشتباه بزرگی در نتیجه‌گیری از استنتاج نادرست خود نموده و مدعی شده که گویا همین انتساب غیر واقعی علم زدگی نهضت آزادی موجب انشعاب مثلاً سازمان مجاهدین خلق از نهضت آزادی و انشعاب گروه پیشکار از مجاهدین خلق می‌باشد! چنین برخورد و استدلالی به هیچوجه درست نیست. این یکی از سطحی‌ترین شیوه‌های برخورد به این مسأله است و هرگز در جهت «شناخت گروه‌های سیاسی» مؤثر نخواهد افتاد.

در تمام مکاتب سیاسی، مذاهب و ادیان انشعابات و انحرافات بروز کرده و می‌کند در تاریخ اسلام هم از بدو حرکت اسلامی گروه‌هایی با تفکر غیر مأنوس با اسلام یا متفاوت با آن بوجود آمدند. حرکت و ظهور خوارج (در حالی که بسیاری از آنها محضر پیامبر و امام بر حق را نیز درک کرده بودند). حرکت اسماعیلیه و ... نمونه‌هایی از این انشعابات می‌باشند. آیا اگر خوارج در آن برهه از تاریخ پدید آمدند اشکال و ایراد در مفاهیم و مبانی اسلام و قرآن و در عمل پیامبر و امامان معصوم بود؟ آیا این طرز استدلال درست است؟ ظهور و حضور گروه‌ها و فرق انحرافی و التقاطی در تاریخ اسلام تازگی ندارد و هیچ ربطی هم به اصالت یا عدم اصالت اسلام و تردید در آن ندارد!

۲- نقطه ضعف دیگری که نویسنده محترم مقاله گویا در مورد نهضت یافته است در رابطه با روحانیت می‌باشد.

برخورد نهضت آزادی ایران با روحانیت یک برخورد اصولی است. مؤسسين و فعالين نهضت آزادی افتخار می‌کنند که از پیشگامان اولیه وحدت و نزدیکی دو جریان اسلامی دانشگاه و فیضیه می‌باشند. عملکرد و موضع‌گیری نهضت آزادی ایران، خصوصاً در سال‌های ۳۹ و ۴۰ همراه با اوج‌گیری مبارزات ملت و تبلور آن در قیام ۱۵ خرداد به رهبری امام خمینی صداقت نهضت آزادی را در برخورد با روحانیت متعهد و مبارز نشان می‌دهد. سران و فعالین نهضت آزادی ایران از اولین لیبیک گویان دعوت امام به قبول مسئولیت در حساس‌ترین و پرمخاطره‌ترین شرایط تاریخی میهمان بوده‌اند. حتی در همان سال ۴۲ در زندان قصر در آن شرایط سخت دست از مبارزه نکشیدند و مجلس فاتحه برای شهدای ۱۵ خرداد منعقد کردند که فقط یک نفر آقایان جبهه ملی در آن شرکت کرد.

اگر نهضت آزادی ایران در خرداد ۵۸ نوشت که روحانیت رسالت ارشادی داشته باشد در واقع تکرار سیاستی بود که بارها از جانب امام اعلام گردیده بود. به عنوان نمونه وقتی از ایشان سؤال می‌شود که نقش روحانیون و رهبران مذهبی را در دولت آینده چگونه می‌بینید، جواب می‌دهد:

«روحانیون در حکومت آینده نقش ارشاد و هدایت دولت را دارا می‌باشند». (مصاحبه با مجله اکونومیست

۱۳۵۷/۱۰/۱۸)

۳- آقای نویسنده می‌نویسد که «اشکال سوم اعتقاد نهضت دموکراسی از نوع غربی آن بود که بر اساس آراء مردم و نه بر اساس صلاح مردم است».

این سخن نادرست است، نهضت آزادی ایران نه به دموکراسی نوع غربی اعتقاد دارد و نه به سوسیالیسم و «سرمایه‌داری دولتی» و استالینیسیم! نهضت آزادی ایران بارها موضع خود را درباره مسأله «آزادی» بیان کرده است. آنچه که قرآن کریم برای ما از روش انبیاء بیان می‌کند و ما از سنت

رسول خدا(ص) درک می‌کنیم این است که پیامبران برای اصلاح حال مردم هرگز از شیوه‌های زور استفاده نکرده‌اند. بلکه با تلاش و صبر فراوان و با ارائه آیات الهی و بینات (دلایل محکم و استوار) مردم را به راه حق دعوت نموده و آنها را متقاعد و مؤمن ساختند به این که عمل به احکام الهی به صلاح خودشان می‌باشد. اما به هر حال خودشان با آگاهی و اختیار انتخاب کننده بوده‌اند، نه با زور و جبر و اکراه، مگر شیوه انتخاب مراجع جز این بوده است که مردم خودشان به طور طبیعی و با میل و رغبت می‌پذیرفته‌اند و صلاح خود را تشخیص می‌داده‌اند و انتخاب می‌کرده‌اند؟ آیا چون مراجع اجرای احکام را به صلاح مردم می‌دانسته‌اند با آنان به زور رفتار کرده و خود را تحمیل می‌کرده‌اند؟ و این هرگز بدان معنا نیست که اگر مردم بر امری که خلاف اسلام است وحدت کردند ما باید آن را بپذیریم. در این مورد قرآن تا آنجا پیش می‌رود که به پیامبر گرامی تذکر می‌دهد که تو وکیل و وصی مردم نیستی!

هدایت دست خداست و هر کس را بخواهد هدایت می‌کند. آیا اعتقاد به این امر بدیهی اسلامی، اعتقاد به «دموکراسی غربی» است؟! و آیا چنان نگرش و چنان تحلیلی که آقای «ابویاسر» نموده‌اند خودبخود منجر به پر بها دادن به دموکراسی غربی و تطهیر آن خواهد شد؟ و آیا آن نشانه عدم شناخت حتی دموکراسی غربی نیز نمی‌باشد؟

۴- نویسنده می‌گوید: «عمده‌ترین اشکال‌های نهضت، علم‌زدگی (است) که سیاست گام به گام هم از همین علم‌زدگی است که علم سیر تحولی از فرضیه به تئوری به آزمون دارد و تکامل هم گام به گام و تدریجی است».

در قسمت‌های قبلی به تهمت ناروای علم‌زدگی اشاره کرده و جواب دادیم. اما این که به سیاست گام به گام اشاره کرده‌اند و آن را به «علم‌زدگی» ربط داده‌اند خیلی عجیب و جالب است! اولاً بهتر بود ابتدا «سیاست گام به گام» را تعریف می‌کردند و آنگاه حداقل از بیانی‌ها و اسناد نهضت نقل می‌کردند که کجا نهضت آزادی به سیاست گام به گام معتقد بوده است.

اما اگر روزی به دلیل جو خاصی که دشمنان انقلاب اسلامی ساخته بودند و با هوچیگری مسأله سیاست گام به گام را مطرح می‌ساختند امروز دیگر بعد از گذشت قریب به سه سال از انقلاب تمامی دولت مردان و دست اندرکاران لاجرم به ضرورت برنامه‌ریزی و اجرای مرحله به مرحله یا قدم به قدم یا گام به گام (در عمل و یا حتی در سخنانشان) نیز اعتراف و اذعان دارند.

مشیت الهی در تمامی امور سازنده و خلاق تدریجی می‌باشد. جهان ما «دفعتاً واحده» خلق نشده است بلکه به موجب نص صریح قرآن در «سته ایام» (در ۶ مرحله و یوم) بوده است!

خلقت انسان نه تنها مرحله به مرحله یا گام به گام بوده است بلکه خداوند هر یک از مراحل را از خاک خشک و گل و لجن و «علقه» و «مضغه» و «عظام» و ... همه را یک به یک شرح می‌دهد. آیا به راستی آقای «ابویاسر» این‌ها را نخوانده‌اند؟ مطمئناً نویسنده محترم اعتراف دارند رشد و بلوغ خود ایشان هم به تدریج و گام به گام بوده است!؛

آیا بهتر نیست به جای تسلیم شدن به جوسازی‌های دشمنان انقلاب اسلامی به معیارها و ارزش‌های والای اسلامی تکیه کنیم و به جای تبعیت از سیاست دفع، و عمل به شیوه‌های تضاد دیالکتیکی (و نتیجتاً افتادن در غرقاب «التقاط در عمل») به حیل‌المتین الهی چنگ بزنیم؟ و به بهانه‌های واهی به جان خدمتگزاران

واقعی اسلام و ایران و انقلاب نیفتیم که خداوند فرمود: «ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم»!! (انفال ۴۶)

آیت‌الله منتظری در پیام خود به مناسبت هفته وحدت چنین گفته‌اند:

«بسیار شنیده می‌شود برادرانی که در صداقت و حسن نیتشان شکی نیست ناخودآگاه تحت تأثیر جو کاذب و القانات مرموزی واقع می‌شوند که نتیجه‌ای جز تشدید جو سوءظن و بی‌اعتمادی عمومی و منزوی نمودن افراد متدین اعم از روحانی و غیره که سال‌ها در خط امام بوده و لحظه‌ای در انجام وظایف انقلابی چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب کوتاهی ننموده‌اند، نخواهد داشت... اینگونه برخوردها، صحنه کار و فعالیت را از افراد مؤمن به انقلاب اسلامی و فداکار خالی می‌کند و در نتیجه به جای آنان افراد فرصت طلب متملق و غیر معتقد به مکتب و انقلاب، منافق گونه جایگزین می‌شوند و در نهایت انقلاب از درون به پوچی و انفجار کشیده خواهد شد و نسل جوان مسلمان و متعهد به جای گرایش به اسلام خالص و اداره انقلاب و کشور، جذب گروه‌های منحرف و وابسته می‌شود و این امر چیزی جز خواست دشمنان اسلام را در بر نخواهد داشت در همین رابطه مسئولیت افراد مؤمن مسلماً بیشتر از دیگران خواهد بود. آنان باید با در نظر گرفتن مصالح و آینده انقلاب و به کارگیری قاطعیت و پرهیز از محافظه‌کاری در برابر جریان‌ها و جوهای مسموم و تندروی جاهلانه مقاومت کنند».

«... افراد یک‌بعدی و تندرو خیال نکنند به اسلام خدمت می‌کنند آنان ناخواسته و چه بسا با حسن نیت زمینه را برای انحراف و سقوط اصل انقلاب فراهم می‌نمایند و با اعمال جاهلانه و خارج از قانون خود پرستیژ جمهوری اسلامی را در دنیا مشوش می‌سازند و این امر گناهی بس بزرگ است».

«... زیان ناشی از عملکرد این گونه افراد تک‌بعدی و تندخوی، کمتر از زیان دشمنان اسلام نخواهد بود. اینان با پاک‌فطرت و حسن نیت خود عملاً به ادامه و گسترش انقلاب ضربه می‌زنند و در حقیقت دوستان نادان خطرناک‌تر از دشمن دانا خواهند بود».

«... بر همه ما لازم است ناخودآگاه تحت تأثیر سوابق و جریان‌ها شخصی جوها و عصبانیت‌ها قرار نگیریم و از میل و خواست درونی خویش به خاطر اسلام و انقلاب بگذریم».

آیا به راستی اتهام زدن به نهضت آزادی ایران و سران و فعالین آن با سوابق سالیان دراز خدمت، موجب پایان جنگ با رژیم بعثی عراق می‌گردد؟ مشکلات بی‌شمار اقتصادی، تورم و رکود را حل می‌کند؟ امنیت قضایی و شغلی را در سطح جامعه تأمین می‌نماید؟ برآستی کدام مشکلات را با وارد ساختن اتهامات بی‌اساس به نهضت آزادی می‌خواهید حل کنید؟

آیا به راستی تلاش در جهت بی‌اعتبار کردن کسانی که چه در سال‌های سیاه اختناق و دیکتاتوری سیاه پهلوی (حتی به نوشته خودتان) و چه در دوران پس از انقلاب صادقانه خدمت کرده‌اند و سال‌هاست که مردم آن‌ها را می‌شناسند به نفع چه کسانی (یا چه کسی) تمام می‌شود؟

و ... آیا این حملات از جانب کسی (یا کسانی) که حتی حاضر نیستند اسم واقعی خود را بنویسند تا مردم بدانند آنها چه کاره بوده‌اند و یا هستند، چه معنی و چه ارزشی دارد؟ خداوند همه ما را در انجام آنچه موجب رضای اوست موفق گرداند.

## روابط عمومی

### نهضت آزادی ایران

### سردبیر و مدیر مسئول محترم روزنامه جمهوری اسلامی

بعد از سلام، در شماره مورخه ۹ دی ماه آن روزنامه تحت عنوان «مقدمات آشنایی با قرآن» درس هشتم، مطالبی در رابطه با نهضت آزادی ایران آورده شده است که نادرست می‌باشد. بر طبق ضوابط اخلاق اسلامی و مقررات قانون مطبوعات استدعا می‌شود دستور فرمایند شرح زیر در اولین شماره در همان صفحه درج گردد:

۱- نهضت آزادی ایران و لیبرالیسم - نویسنده محترم در ابتدای بحث درباره ماهیت لیبرالیسم توجه داده‌اند که اگر لیبرالیسم به معنای واقعی یعنی آزادی خواهی باشد. این لیبرالیسم چیزی است که اسلام آورده است. نهضت آزادی بر اساس اندیشه اسلامی به آزادی واقعی انسان بر اساس فطرت الهی و بر طبق مقررات معتقد است. اولین عبارت از بیانیه نهضت آزادی ایران در اردیبهشت ۱۳۴۰ چنین می‌گوید: «اقتضای اطاعت از «خدا» مبارزه با بندگی غیر او، و شرط سپاس ایزدی تحصیل آزادی برای به کار بستن آن در طریق «حق» و «عدالت» و «خدمت» است ما باید منزلت و مسئولیت خود را در جهان خلقت بشناسیم تا به رستگاری و پیروزی نائل شویم».

بنابراین برچسب به نهضت آزادی به عنوان معتقدین به لیبرالیسم به معنای غربی آن، یعنی فرار از حوزه جاذبه احکام خدا و دستورات خدا و فرار از این حوزه به حوزه آزادی از هر قید و بندی که متعلق به خدا باشد، برچسب ناچسبی است. روش و عمل نهضت آزادی و سران و فعالین و اعضای آن در طی سالیان دراز گذشته چه در داخل و چه در خارج از کشور و تبعید نشان داده است که برخلاف ادعای نویسنده محترم متعبد به احکام الهی بوده و هستند.

۲- درباره روزنامه میزان - اولاً این روزنامه نه اسماً «و نه رسماً» ارگان نهضت آزادی ایران نبوده است. البته عده‌ای از برادران نهضتی در روزنامه مسئول بوده‌اند و روزنامه بیانیه‌های نهضت را بدون سانسور چاپ می‌کرده است. ولی این بدان معنا نیست که تمامی مواضع روزنامه، مواضع نهضت آزادی ایران می‌باشد.

۳- درباره لایحه قصاص - نهضت آزادی ایران نظر خود را درباره قصاص به عنوان یک «ضروری دین» و لایحه قصاص، پیشنهادی شورای قضایی به مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۶۰ منتشر ساخت که احتمالاً نویسنده محترم آن را ندیده و یا شاید بی‌خبر باشند. در آن بیانیه ما گفته‌ایم که:

«نهضت آزادی ایران به حکم اعتقاد به مبانی اندیشه اسلامی قصاص را از امور ضروری اسلام می‌داند و از آنجا که بارها در طول عمر مبارزات و فعالیت‌های اسلامی خود این اعتقاد را عملاً نشان داده هرگز انتظار آن را نداشته است که با چنان سوابق روشنی احتیاجی باشد درباره هر یک از مسائل اساسی اسلامی جداگانه اعتقادات خود را بیان کند».

اما در مورد اجرای حدود اسلام، ما هم نظیر برخی از علمای نظام اعتقاد داریم که بایستی شرایط و مقدمات اولیه بر طبق ضوابط اسلامی و به دنبال اجرای اسلام در تمامیت آن تحقق پیدا کند. بیان امام در این مورد به حد کافی رسا و گویا می‌باشد:

«اجرای حدود در اسلام موکول به تحقق شرایط و مقدمات بسیار است و باید جهات بسیاری را از روی کمال عدالت و توجه به این که اسلام در کلیت خود اجرا گردد در نظر گرفت. اگر این امور در نظر گرفته شوند ملاحظه خواهد شد که مقررات اسلامی کمتر از هر مقررات دیگری خشونت آمیز است.» (امام خمینی، مصاحبه با گاردین، آبان ۷۵۷-پاریس)

در مورد لایحه پیشنهادی قصاص که توسط شورای عالی قضایی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است شک نیست که باید مراحل قانونی آن بر طبق اصول مصرحه در قانون اساسی طی شود. ۴- اما درباره دولت موقت و نهضت آزادی - ما بارها اعلام کرده‌ایم که دولت موقت دولت نهضت آزادی نبود. برادران نهضتی که در دولت موقت قبول مسئولیت کرده بودند نه تعهدی در برابر نهضت داشتند و نه نهضت در برابر اعمال آنها مسئول بوده است. به موجب شرط اخلاقی که امام برای شرکت در دولت موقت گذاشتند، تمامی افراد وابسته به احزاب در مدت مسئولیت در دولت، نمی‌بایستی فعالیت حزبی و گروهی داشته باشند. افراد نهضت آزادی که در دولت موقت قبول مسئولیت کرده بودند با کمال صداقت این شرط امام را اجرا کردند.

اما در مورد چگونگی انتخاب وزراء لازم به تذکر است که تمامی کسانی که برای عضویت در دولت موقت پیشنهاد می‌شدند در جلسات شورای انقلاب به تفصیل مورد بررسی و بحث قرار می‌گرفت و تنها کسانی دعوت می‌شدند که مورد تصویب شورای انقلاب قرار می‌گرفت. در مورد خاصی هم که شما اشاره کرده‌اید بهتر است برای اجتناب از هر گونه تهمت و افتراء عیناً مذاکرات آن جلسه از صورت جلسات استخراج شده و منتشر گردد.

در مورد مجلس خبرگان هم بارها توضیحات کافی داده شده است و ما تعجب می‌کنیم که چرا باز همان مطالب تکرار می‌گردد. ۱۷ نفر از اعضای دولت موقت طی نامه‌ای به امام نظراتی را که داشتند به اطلاع ایشان رسانیدند و بر طبق رهنمودهای ایشان هم عمل کردند.

از خداوند توفیق همه خدمتگزاران به اسلام و ایران و امت مسلمان را خواستاریم. والسلام.

## روابط عمومی

### نهضت آزادی ایران